



تادئوش کونویتسکی  
ترجمہ فروغ پوریاوری

محشر  
صغرا

## گفتگوی دوروتا سویسکا با تادئوش کونویتسکی\*

سؤال‌های زیادی از شما دارم، اما ترجیح می‌دهم این نشست بیش‌تر به گفتگو بماند.

قبول است. اما همین اول کار بگویم که بهترین سؤال‌ها سؤال‌های احمقانه‌اند، چون به آدم فرصت حرف زدن می‌دهند. عالمان نامجوی لهستانی ما سؤال‌هایی می‌کنند که طرحشان ده دقیقه طول می‌کشد. سؤال‌های هوشمندانه معمولاً پاسخ را در خودشان دارند.

و شما به این قبیل سؤال‌ها با «بله» یا «خیر» پاسخ می‌دهید.

بله، و تلاش می‌کنم همسنگ پرسشگر بشوم و در نتیجه شروع می‌کنم به تکرارِ خودم، و مهم‌تر می‌گویم. بنابراین بهترین سؤال‌ها سؤال‌های احمقانه‌اند.

نوشته‌های شما دربارهٔ زادگاهتان معمولاً دو وجه دارند: وجهی آرمانی و وجهی دیگر که مالا مال تناقض میان ملیت‌هایی است که در زادگاهتان

---

\* مصاحبهٔ دوروتا سویسکا (Dorota Sobieska) با تادئوش کونویتسکی (Tadeusz Konwicki)، برگرفته از نشریهٔ مرور ادبیات داستانی معاصر (*The Review of Contemporary Fiction*)، پاییز ۱۹۹۴، مجلد ۱۴/۳.

زندگی می‌کنند. مثلاً، شما در رؤیاینامه‌ای برای روزگار ما<sup>۱</sup> تناقض میان لهستانی‌ها و لیتوانیایی‌ها را در خلال جنگ دوم جهانی نشان می‌دهید. حالا در آن‌جا چه می‌گذرد و شما چه احساسی درباره‌اش دارید؟

احساس خیلی خوبی ندارم. درست ترش این‌که احساسات متناقضی دارم. چون من هم هوای لیتوانیایی‌های آن‌جا را دارم و هم هوای لهستانی‌هایش را. آن‌ها مدام با هم در حال منازعه‌اند. این منازعه گاه آرام می‌شود، بعد دوباره تشدید می‌شود. این برایم خیلی دردناک است، چون همه‌اش نتیجه بازی‌های گوناگون و کم‌اهمیت سیاسی، هم در لیتوانی و هم در لهستان، است. این مسائل را به راحتی می‌شود رفع کرد، تنها شرطش این است که هر دو طرف حسن‌نیت داشته باشند. قضیه خیلی شگفت‌انگیزی است، چون لهستانی‌های آن‌جا پنجاه سال آزرگار تحت اشغال مضاعف زندگی کردند: هم تحت اشغال شوروی‌ها بودند و هم تا حدی تحت اشغال لیتوانیایی‌ها. تمام روشنفکران لهستانی آن‌جا را ترک کردند؛ تمام طبقات اجتماعی فعال‌تر و تحصیل‌کرده‌تر مهاجرت کردند. فقط دهقان‌ها، کارگرها یا آن بخش از روشنفکرهایی ماندند که وضعیتشان به دلیل تعقیب و آزارها خراب شده بود. به همین دلیل است که آن‌ها ضعیفند، و به همین دلیل است که نظام شوروی را انتخاب کردند. از طرف دیگر، نظام حاکم بر لیتوانی هم چندان تعریفی نداشت. آن‌ها بعد از جنگ جهانی دوم به شدت تحت تعقیب و آزار بودند. تقریباً یک‌سوم کل جمعیت لیتوانی را به سیبری بردند. آن‌ها خیلی به زحمت روزگار می‌گذراندند. اما لیتوانیایی‌ها ملت بسیار قدرتمندی‌اند. مردم لیتوانی اساساً شبیه مردم لهستان نیستند، بیشتر شبیه ملت‌های اسکاندیناوی‌اند: سخت‌کوش، میانه‌رو، کم‌حرف، سرکش و قابل‌اعتمادند.